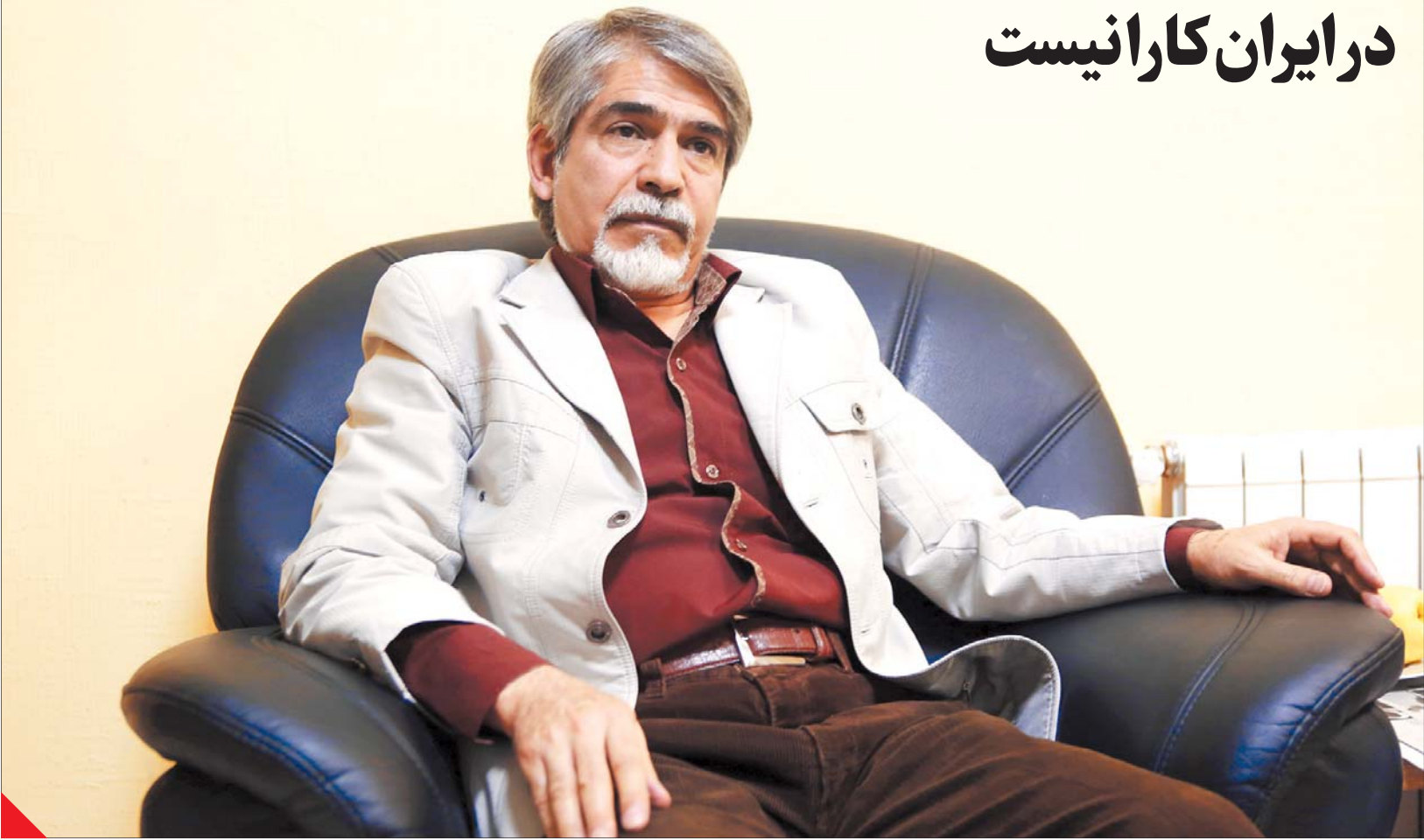


گفت‌وگو با احمد پورنجاتی، دربارهٔ اولویت‌های محیط‌زیستی نهادهای سیاسی ایران

حزب بارویکرد محیط‌زیستی در ایران کارانیست



عکس: امیر جدیری/شرق

هم انجام نمی‌شود. در این زمینه‌ها باید به‌نوعی هم از نظر آگاهی بخشی به افکار عمومی فرصت گسترده و مغتنم و مهم‌تر از آن تضمین‌شده‌ای برای انتقال مسایل به افکار عمومی وجود داشته باشد که ما در کلیت ارتباط رسانه‌ای با افکار عمومی می‌گوییم. من احساس می‌کنم یکی از مهم‌ترین دلایلی که موضوع محیط‌زیست در ایران مسالهٔ اول تلقی نشده، درحالی که مساله مهمی بوده، این است که نقش رسانه‌ها در این بخش جدی گرفته نشده است.

کا **موضوعی** در این زمینه هست که باید به آن توجه شود. به محض اینکه رسانه‌ها روی مسایل محیط‌زیستی متمرکز می‌شوند، مساله به‌عنوان مساله غیرمحیط‌زیستی مورد توجه قرار می‌گیرد و همین موجب می‌شود رسانه‌ها ناچار شوند از حساسیت خود کم کنند و از جریان فاصله بگیرند.

من می‌خواستم به همین برسم. رسانه‌ها که به‌عنوان واسطهٔ قانونی طبیعی پذیرفته‌شده بین افکار عمومی و مسایل جامعه و مسوولیت دولتمردان هستند، در طی سال‌ها هم احساس تاثیرگذاری چندانی نکرده و هم احساس امنیت خاطر نداشته‌اند و هم البته کم‌کاری کرده‌اند. این در مورد مسایل مختلفی می‌تواند موردتوجه قرار گیرد. رسانه‌ها حتی باید در مورد توسعه شهری که در قالب ضابطه‌گذاری‌های نهادهای قانونی انجام شده است، اطلاع‌رسانی کنند. ممکن است متولیان امر به این موضوع واکنش نشان دهند که آن را یک‌نوع سیاه‌نمایی و جریان‌سازی تلقی کنند. به‌علاوه چنین موضوعی، مردم نیز به‌صورت سازمان‌یافته در مورد بحث محیط‌زیست هیچ‌گاه جدی گرفته نشدند. گویا زمینه لازم برای اینکه یک پتانسیل و توانمندی بزرگی به نام همکاری و نقش و معاهدت خود مردم نسبتاً به‌عنوان یک عامل کمک‌کننده تلقی نشده، حتی به‌عنوان یک مزاحم تلقی شده است. طبیعی است دولت‌ها نخواهند با جواب‌دادن به پرسش‌های سازمان‌های مردم‌نهاد برای خود دردرس بسازند. به عقیده من یک‌بار برای همیشه باید تکلیف این قضیه روشن شود که حل مسایل بنیادین و کلان جامعه در هرجامعه‌ای ازجمله محیط‌زیست بدون مشارکت افکار عمومی به شکل سازمان‌یافته و در یک ارتباط فرآیندی و نه یک ارتباط موردی و تشریفاتی امکان‌پذیر نیست. من خاطرم هست که در دولت اصلاحات در آن دوره اندکی فرصت فراهم شده بود که برخی از نهادهای مردمی زیست‌محیطی فعال شوند و درعین‌حال تاثیرگذاری داشته باشند. بررسی‌های کارشناسانه و حتی به‌صورت مشاوره‌ای تشکیل‌ها در حدی تاثیرگذار بود که گاهی اوقات در کمیسیون‌های مربوط در مجلس با گزارش‌های این تشککل‌ها مواجه می‌شدیم و همان‌ها عامل ارایه برخی پیشنهادها در قالب طرح و لایحه شده بود. البته خود دولت‌ها هم متفاوت برخورد کردند. من تصور می‌کنم یکی از مهم‌ترین عوامل این است که ما در کشور ایران هنوز به اندازه کافی به ارزش و بهای عوامل زندگی توجه نداشتیم.

 	 	 	 	 	
با توجه به مختصاتی که در جامعه ما شاهد بوده‌ایم فکر نمی‌کنم چنین چیزی چندان کامیاب باشد که موضوع در قالب شکل سیاسی مطرح شود، چون از ابتدا به‌نوعی بوی سیاسی و دسترسی به قدرت از آن می‌آید و یک گارد مقابله با آن شکل می‌گیرد به قدرت از آن می‌آید و یک گارد مقابله با آن شکل می‌گیرد و آن را از خاصیت می‌انداز					

قیمت و بها و معادل ریالی عوامل زیست‌محیطی برای زندگی در ایران مشخص نبوده و همین‌طور به‌نوعی اگر بخواهیم واژه صریح و آشکاری به کار ببریم به نوعی مفت‌خواری در فضای اقلیم روی آورده‌ایم. همان‌طور که نفت مفت در اختیار داشته‌ایم، از جنگل و زمین مفت نیز استفاده کرده‌ایم. من اگر بخواهم مصداق بیاورم، باید به مساله ریزگردها اشاره کنم. باید ببینیم عوامل ایجاد این ریزگردها چیست؟ در این‌میان نقش بسیار مهمی به نوع توسعه غیرکارشناسی یا به تعبیری تک‌محوری و تک‌بعدی‌دین تصمیمات مختلف را در بخش‌های گوناگون شاهد هستیم، یعنی مثلاً برای تامین انرژی، دستگاهی متولی این است که نیروگاه یا سد بزند، اما این دستگاه به دیگر عوامل توجه نمی‌کند. چه کسی باید این هشدار را بدهد که هرتصمیم در مورد همه عوامل محیط‌زیستی پیامد خواهد داشت؟ یا در مورد بحثی که اخیراً در مورد تخریب جنگل‌ها یا کوه‌خواری مطرح شده است، در همین تهران اگر یک نظام پایش سیاست‌های متوازن توسعه وجود داشت و نظارت می‌کرد، شهرداری تهران باید به‌عنوان یکی از متهمان بزرگ مورد بررسی قرار می‌گرفت؛ از سالیان سال تا امروز، بحث این شهردار و آن شهردار نیست اینکه تراکم سیال فروخته شود تا منتهی‌الیه کوه‌های شمال تهران یا گسترش یک منطقه به حدی باشد که با خطر ناب‌خورداری از حداقل‌های زندگی مواجه شویم. اینها نشان می‌دهد تصمیم‌گیری‌های یک‌سویه فقط موجب این می‌شود که خود تصمیمات، آثار و پیامدهای نامطلوب داشته باشد، بلکه بر حوزه محیط‌زیست هم اثر می‌گذارد.

کا **دولت** به‌عنوان یک نهاد دارای اقتدار سیاسی، درحال حاضر و با در نظر گرفتن همه کاستی‌هایی که در دوره‌های مختلف وجود داشته است، چه کارهایی در زمینه محیط‌زیست انجام داده و اصلاً می‌تواند انجام دهد؟

تصور می‌کنم اگر دولت به‌عنوان دستگاه اجرایی که البته بدون همکاری و همبستگی سایر قوا هم نمی‌تواند کاری انجام دهد، به‌عنوان محور مدیریت کشور تصمیم گرفته باشد که در حوزه محیط‌زیست اقدامی کند، باید فهرستی از برنامه‌های متعدد و مختلف را موردتوجه قرار دهد و به شکل جدی و باورمند کمک افکارعمومی و به‌طور مشخص تشککل‌ها و نهادهای غیردولتی را هم در سطح تصمیم‌گیری و ارایه برنامه‌های مشاوره‌ای و البته تاثیرگذار موردتوجه قرار دهد و آنها را در فرآیند اجرا و نظارت درگیر کند. به‌علاوه، اگر قرار باشد محیط‌زیست به‌عنوان یک اولویت مطرح باشد، باید در تمام برنامه‌هایی که دولت در عرصه توسعه کشور تصویب می‌کند، وجه محیط‌زیستی به‌عنوان یک موضوع اصلی موردتوجه قرار گیرد، یعنی هربروزه‌ای که در دولت در سطح ملی و منطقه‌ای تصویب می‌شود، اولین پرسش این باشد که پیامدهای محیط‌زیستی چیست و چه برنامه‌ای برای صیانت از محیط‌زیست در آن دیده شده است و چه پیشگیری‌هایی در زمینه تخریب احتمالی محیط‌زیست وجود دارد.

کا **موضوع توجه به محیط‌زیست در پروژه‌ها پیش از این نیز وجود داشته و اجرای پروژه‌های ملی منوط به داشتن ارزیابی محیط‌زیستی بوده است، اما در عمل شاهد بوده‌ایم که این‌هرگز نتوانسته عامل پیشگیرانه‌ای در برابر تخریب باشد و از اساس، ضمانتی برای اجرای آن وجود نداشته. این یعنی از نظر نهاد سیاسی دولت، محیط‌زیست دارای اهمیت چندانی نبوده است.**

تخلف همیشه ممکن است باشد. اما وقتی که به جای تخلف‌های موردی با یک روند رایج مواجهیم، معلوم می‌شود مساله موردتوجه جدی نبوده و از سوی نهادهای نظارتی و تعقیب‌کننده و نظارتی موضوع موردتوجه قرار نگرفته است. اما تخلف همیشه اتفاق می‌افتد اینکه یک اثر میراث فرهنگی را به یک پاساژ تبدیل کنند، تخلف است اما وقتی این موضوع مطرح می‌شود، عامل نظارتی و دستگاه قضایی برای پیگیری بسیج می‌شوند. اگر این بحث ضمانتی مطرح می‌شود، برای احراز آن باید از تمام عوامل نظارتی کمک گرفته شود.

کا **اگر سازمان محیط‌زیست وزارتخانه بود و جایگاه سیاسی بالاتری داشت، آیا می‌توانست نقش پررنگ‌تری در صیانت از محیط‌زیست ایفا کند؟**

نه. اتفاقاً چون موضوع محیط‌زیست فرابخشی است و هر وزارتخانه یک‌بخش را تشکیل می‌کند و اتفاقاً سازمان محیط‌زیست در نقش معاونت رییس‌جمهور از آن جهت می‌تواند تاثیرگذار باشد که وزارتخانه‌ای در عرض دیگر وزارتخانه‌ها نیست. به‌صورت فرابخشی باید در همه وزارتخانه‌ها محیط‌زیست به‌عنوان یک‌مؤلفه مستقل برای همه برنامه‌ریزی‌ها موردتوجه باشد، یعنی اگر وزارت نفت تصمیم دارد در منطقه‌ای شبکه گازرسانی را توسعه دهد، اول باید این پرسش مطرح شود که آثار این پروژه از نظر محیط‌زیست چیست.

کا **شما به رسانه‌ها و نهادهای مدنی اشاره کردید. چقدر یک حزب یا رویکرد محیط‌زیستی، می‌تواند در حفاظت از محیط‌زیست مؤثر باشد؟ چیزی مانند حزب سبزها در اروپا.**

من به صراحت می‌گویم با توجه به مختصاتی که در جامعه ما شاهد بوده‌ایم، فکر نمی‌کنم چنین چیزی چندان کامیاب باشد که موضوع در قالب تشککل سیاسی مطرح شود. چون از ابتدا به‌نوعی بوی سیاسی و دسترسی به قدرت از آن می‌آید و یک گارد مقابله با آن شکل می‌گیرد و آن را از خاصیت می‌اندازد. هرچه موضوعاتی که جنبه اجتماعی دارد و به سرنوشت همه مردم مربوط می‌شود در قالب اجتماعی قرار گیرد، به‌رحال کمتر برخوردند است. گرچه همین هم تاحال‌کمابیش شده است. متأسفانه موضوع این بوده که نهادهای مدنی زیست‌محیطی آطور که باید و شاید نتوانسته‌اند نقش خود را ایفا کنند. پیشنهاد من این است که اگر دولت بخواهد به این موضوع به‌طور جدی بپردازد، اولاً یک مصوبه ضمانت‌داری را یا در قالب یک لایحه به مجلس دهد یا از اختیاراتی که دارد، استفاده کند و با استفاده از اختیارات قانونی به همه دستگاه‌ها ابلاغ کند از این به‌بعد هرپروژه‌ای باید یک پیوست کارشناسی‌شده‌ای داشته باشد که ویژگی‌های لازم و ضروری برای صیانت از محیط‌زیست در اجرای این پروژه تضمین شده باشد. به‌علاوه، برای اینکه راجعه‌ی آن پروژه اظهارنظر زیست‌محیطی هم وجود داشته باشد، الزام کند نظرات دستگاه مسوول حفاظت از محیط‌زیست یعنی معاونت مربوطه نیز در آن لحاظ شده باشد. همین‌طور در آن موضوع خاص از نهادهای مدنی که در این حوزه فعالند، بخواهد در مرحله برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری نظراتشان را بدهند و بعد از آنها بخواهد در مرحله نظارت بر پروژه که فرآیند زمانی مشخصی دارد، نظارت کنند. برای حصول نتیجه مطلوب لازم است احساس تاثیرگذاری به‌وجود بیاید.

پنجشنبه • ۲۸ اسفند ۱۳۹۳ • سال دوازدهم • شماره ۲۲۶۵ • ۹

روزنامه فرهنگ ایرانی		
دیدار از موزه بزرگ زلزله در «کوبه»	صفحه ۱۰	
جوامع بشری را برای تهدیدهای طبیعت آماده‌کنیم	صفحه ۱۰	
اینترنت، علیه بمب هسته‌ای	صفحه ۱۲	

یادداشت	
اگر بهنگام دیده بودیم	
محمد درویش	

هجوم گردوغبارهای خبرساز ۲۱بهمن در اهواز، چنان موجی در کشور به راه انداخت که تاکنون سابقه نداشته است. سیلی طبیعت به نادرایتی انسانی در مدیریت زمین، سبب شد تا یکی از کابوس‌های هر دولتی در تاریخ یک‌صدساله مدیریت مدرن در کشور، نزدیک‌ترین رنگ به واقعیت را تجربه کند! اینکه نکند خوزستان، دیار زرخیز ایران‌زمین از بی ناپایداری‌های اکولوژیک، دستخوش ناپایداری بشود؟! ورود شتابناک عالی‌ترین مقامات دولتی به اهواز و ابراز همدردی با مردم عزیز آن دیار، اعلام طرح‌های ضربتی برای مقابله با تشدید طغیان ریزگردها و جوشش کانون‌های بحرانی فرسایش بادی و سرانجام شل‌کردن کیسه خزانه ملی برای حل یک مساله منطقه‌ای، نشان از سراسیمگی داشت.

و این البته فقط قصه برغصه خوزستان نیست! هست؟

کافی است سر را بالا آورده و اندکی از منظری فراخ‌تر به گستره فلات امروز ایران بنگریم تا ستاده‌های حاصل از یک مدیریت نامطلوب و برعکس‌برانگیز در حوزه محیط‌زیستی را در جای چاپ، وطن دراییم، تالاب بزرگ جازموریان در جنوب شرق کشور، اینک به که اینک همان کشاورزی سودآور و پربرون در جنوب دیار کریمان؛ که اینک هم با تهدید و تحدیدهای کم‌سابقه روبه‌رو شده است، درست عین قصه حوضه آبخیز کر و سیوند در مرکز استان فارس که روزگاری به رکورد نخستین تولیدکننده گندم بودنش فخر می‌فروخت و امروز عقوبت برهم‌خوردن نظام آب‌شناختی‌اش (هیدرولوژیک) را با احداث هم‌زمان دو سد مخزنی بزرگ ملاصدرا و سیوند در کنار درودزن به عینه می‌بیند! اینکه نعتها سعادت به روی کشاورزان سعادت‌شهری لیخنند نیز، بلکه بخت‌شان هم با مرگ بخکان رفت و به‌جای انجیرستان‌هایی شاداب و پیش‌برنده در استهبان که بی‌نیاز از آبیاری بودند، حال باید نگران تامین نوبت‌های پرشمارتر آبیاری برای بزرگ‌ترین انجیرستان دیم و ارگانیک جهان هم باشند! همان‌گونه که دل گاوخونی در پایاب زنده‌دور هم خون شده، پریشانی، دامن کارزونی‌ها را با مرگ دریاچه پریشان گرفته، در پایاب ترک، همه تالاب عقب‌نشینی‌های بی‌دری گمشان هستند؛ نگران تبدیل‌شدن تالاب انزلی به یک زمین فوتبال؛ نگران مرگ ماهی‌های خاویاری از سواحل میانکاله و آشوراده تا بواجق و کباشهر و نگران توفیق نیافتن در مهار بزرگ‌ترین رخداد بیابان‌زایی قرن در شمال باختری ایران، جایی که روزگاری نه‌چندان دور، مردمانش نگران پیشروی آب دریاچه ارومیه بودند و حالا رکوررور خرج می‌کنند تا با چراغ‌فتنی، ردی هرچند اندک از آب‌رفته به جوی را بیابند و بازترانیت را ادامه بقا شود؛ لکنتی که کجای راه را اشتباه رفتیم؟ مگر روند کاهش سفره‌های آب زیرزمینی از سال۱۳۴۳ در کشور شروع نشده بود؟ پس چرا دستگاه متولی آب کشور در تمام این سال‌ها متغفلانه عمل کرد و اجازه داد تا کار به چنین نابسامانی بهت‌آوری برسد که ۸۵درصد اندوخته‌های ایران، به یغمارفته فرض شود؟! چرا سازمان حفاظت محیط‌زیست نتوانست به وظایف حاکمیتی و نظارتی خود به‌دروستی عمل کرده و آنجا که باید، قاطعانه اخطار قانون‌اساسی داده و اجازه استمرار تاراج منابع آب کشور را ندهد؟ چرا به‌جای آنکه متجاوز از ۴۰۰هزارمیلیاردتومان را -به قیمت‌های امروز - خرج ساختن سدها و طرح‌های انتقال آب بیشتر کنیم، کمتر از ۲۰درصد این رقم را برای ارتقای نرم‌افزاری بخش کشاورزی هزینه نکرديم تا اینک همچنان شاهد سگ‌های هم‌دردت ۶۵درصدی آب و ضایعات ۳۰درصدی محصولات غذایی، یعنی نابودی ۲۷میلیاردمترمکعب آب در سال، نباشیم؟

ما کجای راه را اشتباه رفتیم؟

به باور نگارنده، ضمن قبول این واقعیت کتمان‌ناپذیر که ابعاد فرامنته‌های تشدید بیابان‌زایی و فرآیندهای کاهنده کارایی سرزمین در تمامی کیتی سبب شده تا بوم‌سازگان (اکوسیستم) زمین در تمامیت خود دچار لکننتی جدی برای ادامه بقا شود؛ لکنتی که ابعاد پیش‌برنده تغییر اقلیم، جهان گرمایی، توفان‌های مهیب و سونامی‌های بی‌سابقه اقیانوسی از ناشازدهای آن است، اما نباید از نقش دادرایی محیط‌زیستی در قلمرو ایران، به بهانه موج فراینده جهان گرمایی غفلت کرده یا آن را کم‌اثر جلوه داد. فقط کافی بود در آغاز دهه ۸۰هجری شمسی، آرمان توسعه را رسماً و با شجاعت تغییر می‌دادیم و به‌جای کوبیدن مستمتر بر خودکفایی در بخش کشاورزی، در اندیشه تامین امنیت غذایی ایران از طریق رونق کسب و کارهای سبز، ترویج صنایع هاییک، استحصال انرژی‌های نو از طریق خورشید، باد، زمین‌گرمایی و جزومدی، توسعه زیرساخت‌های گردشگری مسوولانه در حوزه‌های تاریخی، فرهنگی، طبیعی و علمی و بالفعل‌کردن جذابیت‌ها و مزیت‌های بیش از چهارهزارو۶۰۰ کیلومتر مرزهای آبی کشور از منظر ترانزیت و بازرگانی برمی‌آمدیم، بی‌شک در آن صورت، پول کافی داشتیم تا به جای اختصاص کمتر از پنج‌دهم درصد از بودجه سالانه خود، دست‌کم ۱۰درصد را به بخش پژوهش و اعتلای کیفیت آموزش اختصاص داده و نسلی را پرورش دهیم که اینک می‌توانست درسی فراموش‌نشدنی به صاحبان اقتصادک‌های نوای منطقه در قطر، امارات‌متحده‌عربی و ترکیه بدهد. هنوز هم البته نباید نادماندیم



نگار حسینی

اینکه امروز ناگهان وضعیت ریزگردها در جنوب غرب ایران بحرانی می‌شود، نتیجه سیاست‌های امروز و دیروز نیست. سال‌های‌سال است در مورد خشک‌شدن تالاب‌ها و مالج‌پاشی در عراق و... هشدار داده می‌شود اما ماجرا آنقدر طی سال‌ها از سوی دولت‌ها نادیده گرفته می‌شود که امروز نفس کشیدن در مرزهای جنوب‌غربی، بلکه مرکز ایران دشوار می‌شود. مشابه این مساله در دریاچه ارومیه هم دیده می‌شود. آنقدر به پیامدهای خشکی دریاچه ارومیه بی‌توجهی شده است که به‌زودی باید منتظر بحرانی از نوع بحران خشکی آرال در شمال غرب ایران باشیم. در این حوزه هم دولت در سال‌های قبل در عمل کاری انجام نداده است. سدسازی‌های بی‌رویه، آلودگی‌های آب و خاک و... همه‌وهمه در ظاهر حکایت از آن دارد که محیط‌زیست هرگز اولویت دولت‌ها نبوده و این درحالی است که اولویت، زنده‌ماندن و زیست سالم موجودات است. با «احمد پورنجاتی»، فعال سیاسی در این‌باره گفت‌وگو کرده‌ایم. او معتقد است نعت‌ها دولت باید از همه اختیارات خود برای اولویت‌دادن به محیط‌زیست استفاده کند، بلکه باید مشارکت مردم را نیز در این زمینه با خود همراه کند.

کا **به‌نظر می‌رسد در سال‌های گذشته محیط‌زیست چندان اولویت دولت‌ها نبوده است، ماجرا تا آنجا پیش رفته که امروز با بحران ریزگردها دست‌به‌گریبان باشیم و بخشی از جامعه ایران امکان تنفس هوای سالم را به‌عنوان نخستین نیاز حیاتی نداشته باشند. در کنار این برای مثال بحران دریاچه ارومیه هم هست و اینکه پیامدهای خشکی این دریاچه در سال‌های آتی بروز خواهد کرد. آلودگی آب و خاک را هم به فهرست بلندبالای آلودگی‌های محیط‌زیستی در ایران اضافه کنید. می‌خواهم ببوسم چرا موضوع محیط‌زیست اولویت دولت‌ها در برنامه‌هایشان نبوده است؟ چطور ممکن است چیزی اینچنین تاثیرگذار هیچ زمان موردتوجه جدی قرار نگرفته باشد؟**

متأسفانه به‌رحال این موضوع، تا حدودی به زمینه‌های فرهنگی و ذهنی متولیان و مسوولان کشور برمی‌گردد که تا مساله‌ای به مرحله بحرانی نزدیک نشود و در آستانه شرایط غیرقابل تحمل قرار نگیرد، آستانه درک و دریافت آنها تحریک نمی‌شود و احساس نگرانی نمی‌کنند. به‌نظر من پیش از اینکه به سراغ دولت‌ها برویم، باید ببینیم از منظر احساس عمومی نسبت به هرمساله‌ای ازجمله محیط‌زیست چقدر فرهنگ عمومی جامعه دریافت و درک دارد و اگر حساسیت و دریافت در این حوزه ناچیز است، علل آن چیست. در درجه نخست این جای تاسف دارد که همچنان ما با نوعی توجه موسمی به برخی مسایل مواجه هستیم. به‌نظر می‌رسد همین که مقامات در مورد یک‌مساله‌ای صحبت کنند، همه بسیج می‌شوند و با صدور بیانیه و پیام همبستگی با جریان و موج ایجادشده، همراه می‌شوند. این خیلی با رفتاری که در یک‌جامعه به‌لحاظ حضور مدنی پایدار، انتظار می‌رود متفاوت است. چرا تا دیروز که صحبتی در این‌باره نشده بود، در یک سطحی موردتوجه قرار نگرفته بود، مگر این موضوع حساسیت نداشت که فلان نهاد یا قوه قانونی برای آن هیچ فعالیتی نمی‌کرد یا به فعالیت طبیعی و معمول خود کمتر اعتنا می‌کرد و... این خود قابل بررسی است که اگر حقیقتاً قرار باشد هرمساله‌ای به‌صورت بنیادین موردتوجه قرار گیرد و جنبه مقطعی نداشته باشد، باید ببینیم عوامل این بی‌توجهی چیست که تکرار نشود. الان بحث زیست‌محیطی به‌عنوان یک مساله مورد توجه است و ممکن است فردا موضوع دیگری باشد.

نکته مهم این است که چرا باید مسایلی که جنبه فرآیندی دارد، به‌صورت نقطه‌ای دیده شود و موردی با آن برخورد شود. موضوع محیط‌زیست مساله‌ای بسیاربسیار حیاتی و حساس است اما در تمام جنبه‌ها مانند بخشی که به حفاظت و نگهداری از ویژگی‌های اکولوژیک اقلیمی که در آن زندگی می‌کنیم مربوط است، یعنی مختصاتی که باید پایدار باشد تا یک زندگی سالم برای همه موجودات از جمله انسان، قابل تداوم باشد و همین که عوامل مهم‌تری که باعث تخریب آن می‌شود را مورد توجه قرار دهد و اجازه ندهد آنها تأثیر منفی بگذارند. ما اگر امروز تصمیم بگیریم همه تمام هم‌وغم خود را معطوف صیانت کنیم، معلوم است دستگاه‌های مختلف باید اقداماتی کنند. اینکه چرا این مورد توجه قرار نگرفته، باید گفت به‌نوعی در گذشته کم‌ابیش موردتوجه بوده است؛ یعنی من به خاطر می‌آورم نوسانی بوده است اما همیشه وجود داشته اما اینکه حتی در همان مقیاس هم نتیجه‌بخش نبوده است، یک دلیل مهم دارد و آن این است که در سازوکار حفاظت از محیط‌زیست و اصولاً از هرمنوفه‌ای از مؤلفه‌های زیست انسانی اتکای به تصمیمات کلی یا قانونگذاری کافی نیست و نیازمند این است که نوعی هم‌افزایی همت عمومی را در کنار خود داشته باشد که با تعارف